



بررسی قالی خطه‌ی خراسان در دوره‌ی قاجاریه

دانشجو مینا مرادی، گروه هنر، دانشکده هنر، واحد شیراز، دانشگاه هنر شیراز، ایران، شیراز

نویسنده مسئول: meynamoradi@gmail.com

چکیده

قالی خراسانی، از دیرباز جلوه‌ای از هنر و تمدن ایرانی و تجلی‌گاه تخیلات و آفرینندگی هنرمندان این مرز و بوم بوده است. قالی خراسان، در عصر صفویه با حمایت شاهان صفوی و با تأسیس کارگاه‌های قالی‌بافی در «مشهد مقدس» و دیگر شهرهای خراسان، از شهرت بالایی در سطح بین‌المللی برخوردار گردید. شورش افغان‌ها و انقراض سلسله‌ی صفویه، هرج و مرج شدیدی را در خراسان به وجود آورد که نتیجه‌ی آن فروپاشی اقتصاد و صنایع مختلفی همچون قالی‌بافی بود. گذر زمان و ظهور قاجاریان و ایجاد امنیت نسبی در ایران، دومین دوران پرشکوه صنعت قالی‌بافی در خراسان را پایه‌گذاری نمود. این نوشتار، به‌واسطه‌ی مرور و بررسی پژوهش‌ها و مطالعات انجام‌شده در دهه‌های گذشته، به بررسی قالی و قالی‌بافی در دوران قاجاریه پرداخته و به صورت خاص، قالی خراسان را در این دوره‌ی تاریخی مورد بررسی قرار می‌دهد.

در این نوشتار، سعی بر آن است تا با استفاده از روش تحقیق توصیفی-تحلیلی، روش گردآوری اطلاعات کتابخانه‌ای و نیز با تکیه بر اسناد به جای مانده از دوره‌ی قاجاریه، ضمن نگاهی کوتاه به وضعیت تولید و تجارت قالی خراسان در نیمه‌ی اول قرن سیزدهم هجری قمری (نوزدهم میلادی)، عوامل و چگونگی احیای این هنر صنعت در این دوره‌ی زمانی، مورد بررسی قرار گیرد. نتایج این تحقیق، نشان می‌دهد که در طی حکومت قاجاریان بر ایران (۱۲۱۰-۱۳۴۳ ه.ق؛ ۱۷۹۶-۱۹۲۵ م)، برخی از هنرها از جمله قالی و قالی‌بافی، به دلایل متعددی همچون نبود رقیب خارجی و برپایی چند نمایشگاه از قالی‌های ایرانی در کشورهای غربی، اوجی دوباره می‌یابد. بازرگانان و تجار ایرانی، به خصوص تبریزی‌ها، با توجه به شناختی که از سلیقه‌ی مردمان مغرب‌زمین پیدا کردند، در اکثر نقاط ایران از جمله در مشهد و سایر بلاد خراسان، کارگاه‌های بافت قالی تأسیس نمودند. این مهم، علاوه بر پشتیبانی دولت قاجاریه، به دلیل دسترسی فراوان به مواد اولیه‌ی موردنیاز برای بافت قالی در خراسان و همچنین، به رسمیت شناختن قالی به عنوان کالایی برای تجارت در این خطه بوده است.

کلیدواژگان: قالی؛ قالی‌بافی؛ قالی خراسان؛ قالی مشهد؛ دوره‌ی قاجاریه.



نقش خراسان در شکوفایی معماری ایرانی اسلامی

پیشگفتار

هنر هر جامعه‌ای، ریشه در آداب و رسوم و سنن آن جامعه دارد که با گذر زمان به کمال می‌رسد. ذوق و اوج هنر ایرانی، قالی‌بافی است که علاوه بر هنردوستی و صبر و تلاش، وجود مواد و مصالحی همچون پشم مرغوب و انواع گیاهان رنگ‌دار، باعث تبلور و تعالی این هنر شده است. در اسناد و کتاب‌های قدیمی، درباره‌ی این هنر، بسیار آمده است؛ چه آن زمانی که پوست حیوانات، به‌وسیله‌ی ایرانیان باستان به عنوان زیرانداز استفاده می‌شد و چه امروز که نقش و نگار و زیبایی انواع قالی ایرانی، در یک مقاله نمی‌گنجد. پیشینه و تاریخچه‌ی قالی ایرانی، به دوران باستان می‌رسد و در اساطیر و داستان‌ها، قالی زیادی دارد و بارها درباره‌اش سخن رفته است.

در فاصله‌ی سقوط سلسله‌ی صفویه تا شکل‌گیری سلسله‌ی قاجاریه، اقتصاد قالی‌بافی و سایر صنایع دستی و تولیدات هنری و صنعتی که با هویت ایرانی در پهنه‌ی جهانی مقامی شایسته یافته بود، شکوفایی خویش را از دست داد. در این دوران که با حمله‌ی افغان‌ها و دوران سلطنت پرتلاطم «نادرشاه»، درگیری‌های جان‌شینان «کریم‌خان زند» برای به دست گرفتن قدرت، تسلط نظام ارباب رعیتی، درگیری‌های عشایر و خوانین و گسیختگی اجتماعی و سیاسی مصادف بود، صنایع دستی و تولیدات ملی دچار تنزل فراگیر گردید و رشد و توسعه‌ای که در زمان صفویه در زمینه‌ی اجتماعی، فرهنگی و علی‌الخصوص اقتصادی ایجاد شده بود، رو به افول نهاد. البته با ظهور و تثبیت سلسله‌ی قاجار و ایجاد امنیت در کشور، قالی‌بافی دوباره احیا و از رشد و گسترش بالایی برخوردار گردید. دوران اوج حضور قالی خراسان در بازارهای بین‌المللی، به همین دوره بازمی‌گردد. در این دوره، هنرمندان و افراد صاحب ذوق از نواحی مختلفی همچون کرمان، کاشان، تبریز، چهارمحال و بختیاری و... به خراسان مهاجرت نموده در خیابان‌ها و بازارهای منتهی به حرم مطهر در مشهد و در سایر بلاد خراسان، گرد آمده و در کنار سایر تولیدکنندگان خراسانی، آثار شاخص و منحصر به فردی را با اقتباس از قالی‌های عصر صفوی، خلق کردند. در حال حاضر، برخی از این آثار جزء نفیس‌ترین قالی‌های کاخ‌ها، موزه‌ها و مجموعه‌های خصوصی داخلی و خارجی هستند. این پژوهش علاوه بر بررسی قالی و قالی‌بافی خراسان و ویژگی‌های آن، به بررسی چگونگی احیا و رونق تولید و تجارت قالی خراسانی در نیمه‌ی دوم قرن نوزدهم میلادی (قرن سیزدهم هجری قمری)، پرداخته و بررسی می‌نماید که چه عواملی سبب احیا و رونق صنعت قالی‌بافی خراسان در دوره‌ی قاجاریه، گردید؟

در بررسی پیشینه‌ی موضوع، بایستی گفت که تحقیقات انجام‌شده درباره‌ی صنعت قالی‌بافی ایران در دوره‌ی قاجاریه را می‌توان به دو دسته تقسیم نمود: دسته‌ی اول، به طور عموم جنبه‌های هنری و تجاری قالی و قالی‌بافی را مورد بررسی قرار داده‌اند و دسته‌ی دوم، منابعی می‌باشند که به بررسی اوضاع اقتصادی و سیاسی ایران در دوره‌ی قاجاریه پرداخته و متغیرها و فرضیه‌هایی را به عنوان عوامل اصلی احیا و رونق صنعت قالی‌بافی در دوره‌ی قاجاریه، مطرح ساخته‌اند؛ از جمله‌ی این متغیرها و فرضیه‌ها، می‌توان به استیصال اقتصاد ایران در فراهم‌ساختن ابزارهای قابل اطمینان برای تأمین مالی، تقاضای روزافزون برای قالی ایرانی در بازارهای جهانی و بالاخص بازارهای



نقش خراسان در شکوفایی صنعت فرش ایرانی

اروپایی و به تبع آن، سرمایه‌گذاری‌های داخلی و خارجی در صنعت قالی‌بافی، وجود بافندگان زبده و چیره‌دست و نیروی انسانی فراوان و بسیار ارزان قیمت، و همچنین در دسترس بودن مواد خام همچون پشم مرغوب اشاره نمود.

بیشترین تمرکز پژوهشگران، بر روی معرفی طرح‌ها و نقوش و رنگ‌بندی‌های متفاوت قالی ایران در دوره قاجاریه قرار گرفته است. رویکردهای ریشه‌شناسانه و بررسی سیر تحول قالی و قالی‌بافی در این برهه‌ی تاریخی، کمتر مورد توجه قرار گرفته‌اند (صباغ‌پور و شایسته‌فر، ۱۳۹۰). با این حال، «پروان» (۱۳۹۸) در کتاب خود با نام «تجارت تاریخ فرش ایران در عصر قاجار»، تصویری از تجارت داخلی و خارجی قالی ایرانی در دوران قاجاریه را ترسیم نمود. این کتاب، در قالب چهار فصل تنظیم شده است. در فصل اول، نویسنده به ساختار تولید و تجارت قالی ایران در دوران قاجاریه می‌پردازد. فصل دوم، شرایطی که در بازار ایران و در بازار بین‌المللی به‌ویژه بازار اروپا رخ داد و باعث رونق در صادرات قالی ایرانی شد را مورد بررسی قرار می‌دهد. فصل سوم، به مسائل مربوط به بازارهای جهانی قالی پرداخته و در فصل چهارم و پایانی نیز سیاست‌های حکومت قاجاریه در صنعت و تجارت قالی‌های دستباف ایران، مورد توجه و عنایت قرار گرفته است (ایلخان و آشوری، ۱۳۹۲). «سیسیل ادواردز»^۱ (۱۳۵۶) در کتاب «قالی ایران» و در بخش‌های مربوط به حوزه‌های قالی‌بافی تبریز، اراک، مشهد و سایر مراکز مهم قالی‌بافی، به نحوه‌ی ورود شرکت‌های خارجی در حوزه‌ی تولید و تجارت قالی دستباف ایران در دوره قاجاریه پرداخته است. «یارشاطر» (۱۳۸۴) در کتاب خود «تاریخ و هنر فرش‌بافی در ایران»، نقش بازرگانان تبریزی در تولید و صادرات قالی ایران در دوره‌ی قاجاریه را مورد بررسی قرار داده و به صورت ویژه‌ای به فعالیت تجار تبریزی در خراسان و تأثیرگذاری آنان بر روی رشد و توسعه‌ی قالی و قالی‌بافی در این خطه می‌پردازد.

این نوشتار، در پی آن است که به‌واسطه‌ی مرور و بررسی پژوهش‌ها و مطالعات انجام‌شده در دهه‌های گذشته، ویژگی‌های کیفی (طرح، نقش و رنگ) قالی‌های خراسان در دوره‌ی قاجاریه را بررسی نموده و سپس، عوامل رشد و توسعه‌ی قالی و قالی‌بافی خراسان در این دوره را مورد مطالعه دهد. در ابتدا، پیشینه و تاریخچه‌ی مختصری از قالی و قالی‌بافی در ایران و جهان، ارائه گردیده و سپس، پیشینه و تاریخچه‌ی قالی در دوران قاجاریه، مورد بحث قرار می‌گیرد. پس از آن به بررسی قالی خراسان، طرح و رنگ، رنگرزی این نوع قالی و... پرداخته و فراز و فرود آن را در دوره‌ی قاجاریه، از حیث صادرات و موارد دیگر، مورد بررسی و مذاقه قرار می‌دهیم. بررسی چند و چون تأثیر حکمرانی قاجاریه بر روی کمیت و کیفیت قالی خراسانی در درازنای زمان و از سویی تجزیه‌وتحلیل مختصر ویژگی‌های کیفی و زیبایی‌شناسانه‌ی قالی‌های خراسانی، از مهم‌ترین ضرورت‌های انجام این پژوهش می‌باشد. روش انجام این تحقیق، به صورت توصیفی-تحلیلی بوده و روش گردآوری اطلاعات، به صورت کتابخانه‌ای می‌باشد. تعدادی از تصاویر مورد استفاده، از طریق مراجعه به کتب و مقالات فارسی و لاتین تهیه شده و تعدادی

^۱ . Cecil Edwards



نقش خراسان در شکوفایی هنر معماری ایرانی اسلامی

دیگر نیز از منابع اینترنتی جمع‌آوری گشته‌اند. در این نوشتار، سعی بر آن است تا با تکیه بر اسناد به جای مانده از دوره‌ی قاجاریه، ضمن نگاهی کوتاه به وضعیت تولید و تجارت قالی خراسان در نیمه‌ی اول قرن سیزدهم ه.ق (نوزدهم م)، عوامل و چگونگی احیای این هنر صنعت در این دوره‌ی زمانی، مورد بررسی قرار گیرد.

گفتار اول: سر آغاز

الف. مقدمه‌ای بر قالی و قالی‌بافی در جهان و ایران

سرزمین ایران، به عنوان یکی از مراکز اولیه‌ی تمدن همواره در طول تاریخ هزاران ساله‌ی خود، پیوستگی و تجانس قریبی با هنر و صنعت داشته و این امر، به گونه‌ای با تار و پود مردم ایران‌زمین، عجین شده است (فناپی و مجابی، ۱۳۸۹، ۱۰۳). بررسی تاریخی ادوار مختلف بدون توجه به هنر ایرانی و توجه به ماهیت و چگونگی انجام آن، امکان‌ناپذیر می‌باشد. در این میان، قالی و قالی‌بافی، به عنوان یکی از قدیمی‌ترین هنرهای ملی و سنتی مردم این سرزمین، مورد توجه بوده است. هنر ایران در مغرب‌زمین، بیش از هر چیز به «قالی ایرانی»، نام‌بردار و شناسا بوده و هست. قالی از زمان‌های قدیم، مشهورترین مال‌التجاره‌ی ایران بوده و قالی‌های ایران، بسیار مرغوب و از نوع فرش‌هایی است که در اروپا به فرش‌های مخملی مشهور می‌باشند. قالی ایرانی در گذر زمان، دوره‌های مختلفی از تکامل را پشت سر گذارده است. قالی‌های ایران در تجملات زندگی درباری، سهم بسزایی داشته و به همین ملاحظه، در چشم فرستادگان و جهان‌گردان خارجی، از جاذبه‌ی فراوانی برخوردار بوده و از سده‌ی پانزدهم میلادی به بعد، همواره از آن سخن می‌گفتند و اغلب نیز با ستایش بسیار از آن یاد می‌کردند. گذشته از این، «قالی ایرانی» چشمگیرترین تحفه‌ای بود که مسافران می‌توانستند به آسانی به همراه بیاورند. زیبایی و شکوه این ارمغان‌ها، بی‌مقداری و حقارت فرش‌های مغرب‌زمینی را بیش از پیش نمایان می‌ساخت.

«قالی»، نوعی گسترده‌ی بافته‌شده از الیاف پنبه، پشم و در بعضی موارد ابریشم است که معمولاً برای پوشش زمین به کار می‌رود (حشمتی رضوی، ۱۳۹۲، ۹). هنر قالی‌بافی چندین هزار سال قدمت دارد. در حقیقت، می‌توان ادعا کرد که تاریخچه‌ی قالی در جهان، به نوعی تاریخچه‌ی بشریت را نشان می‌دهد. کفپوش‌های ابتدایی با موادی ساخته می‌شدند که به راحتی در دسترس بودند. این کفپوش‌های اولیه از مواد طبیعی ساخته شده و با گذشت زمان از بین می‌رفتند (اشرفی پویا، ۱۴۰۰، ۱۲۷). از آنجایی که انسان می‌دانست نمی‌تواند بر روی زمین سرد و پر از خار و خاشاک و حشرات زندگی کند، شروع به استفاده از پوست و سپس پشم در هم پیچیده‌ی حیوانات اطراف خود نمود. انواع اولیه‌ی قالی‌ها، بدون شک کیفیتی شبیه به نمد و یا محصولات نساجی اولیه داشتند. انسان‌های اولیه، با روش بافتن الیاف گیاهی و پوست درختان و به تبع آن صنایعی مانند سببافی آشنا بودند و با استفاده از پشم حیواناتی که در جوامع اولیه زندگی می‌کردند، می‌توانستند حصیرهای نرمی را تولید کنند. محققان بر این باور هستند که هنرهایی مثل نم‌بافی، گلیم‌بافی، سببافی و زیلوبافی، مقدمه‌ی پیدایش هنر قالی‌بافی بوده‌اند. با تمامی این اوصاف، نمی‌توان در مورد تاریخچه‌ی قالی در جهان کاملاً مطمئن بود. برخی



نقش خراسان در شکوفایی معماری ایرانی اسلامی

باستان‌شناسان معتقد هستند که اولین قالی‌ها توسط قبیله‌های چادرنشین ساکن آسیای مرکزی بافته شده‌اند. قالی‌هایی که با پشم حیوانات بافته می‌شدند، هنگام خوابیدن و یا نشستن، به عنوان محافظ در برابر سرما به کار می‌رفتند (فناپی و مجابی، ۱۳۸۹، ۱۴).

علاوه بر این، کاوش‌های باستان‌شناسی نشان می‌دهند که استفاده از حصیرهای بافته‌شده به عنوان زیرانداز، در هزاره‌ی چهارم و پنجم پیش از میلاد مسیح، در منطقه‌ی بین‌النهرین متداول بوده و مردم این منطقه، از نی برای بافت بوریا استفاده می‌کردند. امروزه، تقریباً تمام محققان و پژوهشگران، بدون چون و چرا اعتقاد دارند که هنر قالی‌بافی در آسیا متولد شده است. آنان بر این عقیده‌اند که فلات ایران، ترکستان و قفقاز می‌باید مهد اولیه‌ی این هنر بوده باشد. اگرچه تعیین قدمت قالی دستباف در ایران، کار چندان ساده‌ای نیست؛ ولیکن آنچه اکثر مورخان و محققین بر آن اتفاق نظر دارند، این است که ایرانیان نخستین قومی بوده‌اند که به قالی‌بافی پرداخته‌اند و در این زمینه، سرآمد جهانیان شده‌اند (اشرفی پویا، ۱۴۰۰، ۱۲۸). چنان‌که آخرین پژوهش‌های باستان‌شناسی نیز دال بر این موضوع هستند. منظور اشاره به قدیمی‌ترین قالی شناخته‌شده‌ی موجود در جهان، یعنی «قالی پازیریک»^۱ می‌باشد که بافت ایران در دوران هخامنشیان بوده و در سال ۱۹۴۹ میلادی توسط گروهی از باستان‌شناسان روسی کشف شد. وجود نشانه‌های ایرانی بر روی قالی پازیریک است که قدمت بافت قالی در ایران را حداقل به ۲۵۰۰ سال قبل می‌رساند. علاوه بر قالی پازیریک، آنچه قدمت قالی‌بافی در ایران باستان را تأیید می‌کند، دو قالی دیگر است که در همان محل کشف قالی پازیریک، یافت شده‌اند (آذری و نوروز برازجانی، ۱۳۹۱). پس از دوره‌ی هخامنشیان، در دوره‌ی ساسانیان نیز قالی‌های زیبا و زرنگار بافته شده‌اند. هرچند از قالی‌های بافته‌شده در دوره‌ی ساسانیان، آثار چندانی در دست نیست؛ ولی می‌توان به قالی‌های نفیسی همچون «قالی بهارستان» اشاره نمود. قالی بهارستان متعلق به دوره‌ی ساسانی که با نام‌های «بهارخسرو»، «بهارکسری» و «مهمستان» نیز شناخته می‌شود، یکی از مهم‌ترین آثار هنری ایران است که حسن شهرت آن به جهت نقش و نگار منحصر به فردش که نمایانگر باغی آراسته با گل‌ها و پرندگان و جوی‌های آب روان بوده می‌باشد. این قالی، بر اثر حمله‌ی اعراب به ایران و انتقال آن به مدینه، تکه‌تکه شد. همانطور که در جلد پنجم «تاریخ طبری» آمده است؛ این قالی در ایوان کسری قرار داشته و دارای ۱۴۰ متر طول و ۲۷ متر پهنا بوده است؛ در بافت این قالی از ابریشم، طلا، نقره و جواهراتی چون زمرد و مروارید استفاده شده است و طرح آن یکی از باغ‌های بهشت را نشان می‌دهد (ابن جبیر طبری، ۱۳۸۳، ۱۸۲۵). جلد سوم «تاریخ کامل ابن اثیر» نیز آن را بدین صورت توصیف می‌نماید:

خسروان، این فرش گرانبها را برای زمستان خویش نگهداری می‌کردند. چون که گل و سرسبزی داشت و بر آن باده می‌نوشیدند، گویی که ایشان در بوستان به سر می‌بردند. در آن راه‌ها به سان رود

^۱ . Pazyryk carpet



نقش خراساد شکوفانر معماری ایرانی اسلامی

بود و رشته‌ی گوهرها به سان جویبارها... زمینه‌ی آن، زربافت بود و لابه‌لای آن، دانه‌های درشت مروارید... کناره‌هایش به زمین کشت شده می‌مانست و پهنه‌ای را فرا می‌گرفت که آراسته به گل و گیاه و سبزی بهاری باشد. برگ‌ها از ابریشم بودند و بر شاخه‌های زرین جای داشتند. گل‌های آن، زرین و سیمین بودند و میوه‌های آن گوهر و مانند آن. عربان آن را «قطف» می‌خواندند. فرش را به سوی عُمر فرستادند؛ وی آن فرش گرانبها را تکه‌تکه ساخت و میان ایشان بخش کرد...
(ابن اثیر، ۱۳۸۳، ۱۴۳۷)



شکل ۱. نمایی از قالی پازیریک (آذری و نوروز برازجانی، ۱۳۹۱).

اگرچه در اوایل تسلط مسلمانان بر ایران، هنر قالی‌بافی از رونق افتاد، زیرا اعراب از استعداد کافی در این زمینه بی‌بهره بودند؛ ولیکن بررسی‌های تاریخی نشان می‌دهد که ورود اسلام به ایران، در نهایت باعث رونق قالی ایرانی شده است (اشرفی پویا، ۱۴۰۰، ۳۶۹)، چرا که قالی‌بافی به دلیل روحیه‌ی ساده‌زیستی که همواره مورد تبلیغ اسلام بوده، گسترش یافته و قالی، به عنوان هنری رایج در میان حاکمان و سلاطین، ثروتمندان و مردم عادی محسوب می‌شد. این هنر، در زمان امویان و عباسیان، رونق زیادی گرفت؛ زیرا آنها از هنر ایرانی برای تزیین و زیبایی‌بخشیدن به فضای درونی کاخ‌های خود استفاده می‌نمودند (یارشاطر، ۱۳۸۴، ۱۲۹). در دوران بعد از اسلام، شهرت قالی‌های ایرانی را می‌توان در آثار نویسندگانی همچون «یاقوت حموی»، «ابن بطوطه»، «ابن خلدون»، «خاقانی» و... یافت. بسیاری از پادشاهان ایران اسلامی در قرون بعد نیز از هنر قالی‌بافی حمایت کرده و به ترویج آن در ایران و کشورهای دیگر که جزو فتوحات آنها بوده، کمک‌های شایان توجهی نموده‌اند. اگرچه



نقش خراسان در شکوفایی معماری ایرانی اسلامی

هنر صنعت قالی بافی، در دوران سلجوقیان، ایلخانیان، تیموریان، آق‌قویونلوها و قراقویونلوها، به بالاترین حد خود در زیبایی و بافت رسید (ضمیری و افشار مهاجر، ۱۳۹۸)؛ ولیکن دوران صفویه (۹۰۷-۱۱۳۵ هجری قمری) را می‌توان دوران اعتلای و شکوه فرهنگ و هنر ایران زمین و از جمله قالی ایرانی دانست. حمایت پادشاهان صفوی از هنر قالی بافی در ایران، از «شاه اسماعیل اول» تا «شاه سلطان حسین»، این امکان را به وجود آورد که قاطعانه دوران صفویه را عصر طلایی قالی بافی ایران بنامیم. اوج ترویج هنر قالی بافی در زمان شاهان صفوی، در زمان «شاه اسماعیل اول» (۹۰۷-۹۳۰ هجری قمری) در تبریز، «شاه طهماسب اول» (۹۳۰-۹۸۴ هجری قمری) در قزوین و «شاه عباس اول» (۹۹۶-۱۰۳۸ هجری قمری) در اصفهان بوده است (طاحونی و ملایی، ۱۳۹۸).

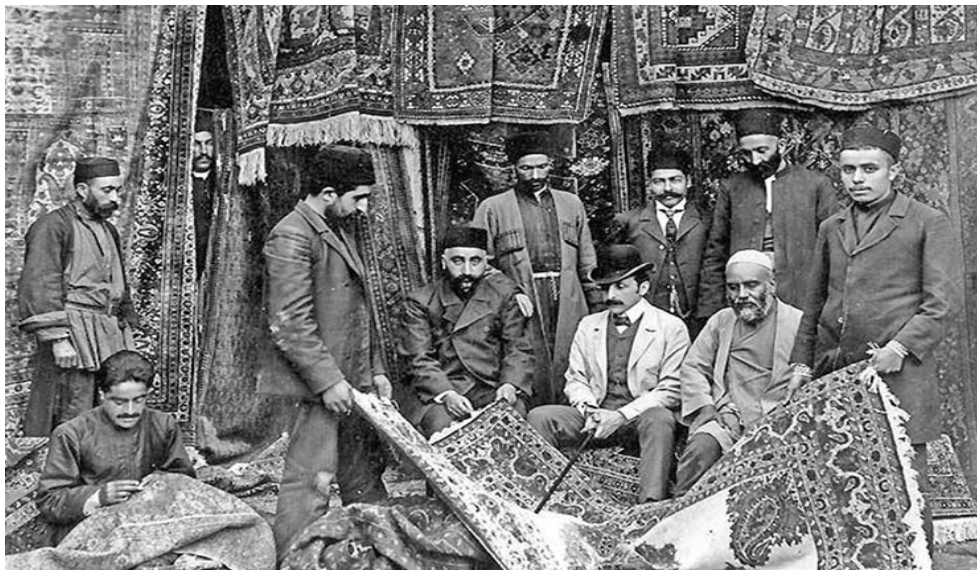
شاه اسماعیل تعداد زیادی از طراحان و نقاشان را از هرات به تبریز دعوت کرد و آنها را زیر نظر «کمال الدین بهزاد» (نقاش معروف ایرانی) قرار داد. شاه طهماسب - پسر شاه اسماعیل - علاقه‌ی زیادی به هنر داشته و راه پدر را ادامه داد. بسیاری از معروف‌ترین و نفیس‌ترین قالی‌های تاریخ ایران از جمله قالی معروف و تاریخی اردبیلی در زمان شاه طهماسب بافته شده است (ضمیری و افشار مهاجر، ۱۳۹۸). مکتب قالی بافی تبریز، محصول دوران سلطنت این پادشاه هنردوست است. شاه عباس، دیگر پادشاه عصر صفوی در سال ۱۰۰۶ هجری قمری پایتخت خود را به اصفهان منتقل کرد و در این زمان بود که هنر قالی بافی در مکتب اصفهان به اوج خود رسید. بافت قالی‌های پارچه‌ای بزرگ، استفاده از مواد جدید در قالی بافی مانند ابریشم و مفتول‌های طلا و نقره و نیز تغییر اساسی در نقش آنها، از مهم‌ترین و عمیق‌ترین تغییراتی بود که در دوران سلطنت وی رخ داد. گسترش پایتخت و شهرها در عصر صفویان، نیاز به قالی را بیشتر و قالی بافی را به یکی از رشته‌های مهم اقتصادی تبدیل کرده بود. قالی‌های ایرانی، در دوره‌ی صفویه با رشد چشمگیری از لحاظ کیفی روبه‌رو شدند که این مهم، علاوه بر پشتیبانی شاهان قدرتمندی همچون شاه عباس صفوی، به دلیل دسترسی فراوان به مواد اولیه‌ی موردنیاز برای بافت قالی و همچنین، به رسمیت شناختن آن به عنوان کالایی برای تجارت بوده است. قالی بافان صفوی، حدود هزار پانصد تخته قالی از خود به یادگار گذاشته‌اند که برخی از آنها به عنوان شاهکارهایی بی‌بدیل ثبت و در موزه‌ها نگهداری می‌شوند. در این دوره بود که قالی بافی از پیشه‌ای روستایی به شغل و حرفه‌ای پر اهمیت در کارگاه‌های شهری تبدیل شد. تجارت و صادرات هنر زیبای ایرانی به کشورهای اروپایی آغاز گردید و قالی بافی شهرهای اصفهان، کاشان، تبریز، کرمان و مشهد در طرح‌های ترنج دار، گلدانی، شکارگاه، گلدار هراتی، درخت و بوته، باغی، لهستانی و... آغاز شد. اما با ظهور فتنه‌ی افغان که به انقراض سلسله‌ی صفوی منجر گردید، هنر قالی بافی وارد دوران افول خود گردید.

پس از سلسله‌ی صفویه و با حمله‌ی افغان‌ها، کشور ایران تا مدتی دچار آشوب و هرج و مرج شد. در زمان افشاریه، به دلیل سرگرم‌بودن «نادرشاه» به جنگ با کشورهای همسایه، قالی بافی رونق چندانی نداشته است. حتی در عصر زندیه نیز چندان توجهی به این هنر، مبذول نگردید. با روی کار آمدن سلسله‌ی قاجاریان و ایجاد امنیت و ثبات در مناطق مختلف ایران، هنرهای صناعی به‌ویژه قالی و قالی بافی، رونقی دوباره می‌یابند (ضمیری



نقش خراسان در شکوفایی صنعت فرش ایرانی اسلامی

و افشار مهاجر، ۱۳۹۸). در دوره قاجاریه با رونق بازارهای اروپایی که از دوران صفویه آغاز شده بود، صنعت قالی‌بافی، سیر عادی خود را پیش گرفته و بازرگانان تبریزی، با ابتکار عمل به راه‌اندازی کارگاه‌های فراوان قالی‌بافی در تبریز، کرمان، کاشان، همدان، کردستان، بروجرد، مشهد و سایر شهرها همت گماشتند و قالی‌های بافته شده را از مسیر کریدور شمال غرب به استانبول و از آنجا به اروپا می‌فرستادند. در این دوره، تقاضای زیاد برای قالی ایران و تجارت موفقیت‌آمیز آن باعث گردید تا تعداد زیادی از شرکت‌های خارجی از کشورهایی همچون انگلیس، آمریکا، سوئیس، یونان و... به سرمایه‌گذاری در قالی ایران و تولید انبوه آن ترغیب گردند و بخشی از مهم‌ترین و نفیس‌ترین قالی‌های ایران، در همین دوران بافته شد.



شکل ۲. تصویری از دوران اوج صنعت قالی‌بافی ایران در اواخر دوره قاجاریه (لودویک بوسخارت^۱، ۱۳۷۹، ۵۲) (عکاس: آنتوان سوروگین^۲).

اگرچه در طی دوران سلطنت قاجاریه، تغییرات زیادی در سازمان سنتی و نحوه عملکرد صنعت قالی‌بافی ایران به وجود می‌آید و نتیجتاً تأثیر خود را بر روی این صنعت باقی می‌گذارد؛ ولیکن تجارت در دوران قاجارها در ارتباط با قالی و قالی‌بافی، دارای سیری «نزولی - صعودی - نزولی» است و باید آن را به سه مقطع یا برش زمانی تقسیم کرد (طاحونی و ملایی، ۱۳۹۸): بدین صورت که در ابتدای حکمرانی قاجاریه، تجارت قالی دستباف در حال بهبودی و توسعه بود؛ اما همچنان حالت نزولی داشته است. در دوره «محمدشاه»، «ناصرالدین‌شاه» و

^۱ . Ludwik Bosschart

^۲ . Antoin Sevruquin



نقش خراسان در شکوفایی معماری ایرانی اسلامی

«مظفرالدین شاه»، تجارت قالی دارای سیری صعودی و رو به گسترش بود و در نهایت در اواخر عمر این سلسله، تجارت و اقتصاد قالی ایران رو به افول رفت.

ب. مقدمه‌ای بر قالی و قالی‌بافی در خطه‌ی خراسان

خراسان، مرکب از دو کلمه‌ی «خور» (به معنی خورشید) و «آسان» (به معنی نمایان شدن) بوده و در لغت به معنای محل طلوع خورشید می‌باشد و در متون قدیمی با عنوان «مطلع الشمس» از آن یاد کرده‌اند (اشرفی پویا، ۱۴۰۰، ۹۶). خطه‌ی خراسان، بسیار پهناور بوده و شامل افغانستان، بلخ و نقاط حاصلخیزی از سرزمین جیحون و نیز قسمت عمده‌ای از شرق و شمال ایران امروزی می‌شده است (اشرفی پویا، ۱۴۰۰، ۱۵۷). این خطه در گذشته، سرزمینی بسیار پررونق بوده که در طی قرن‌ها به دلیل جنگ‌های مختلف و بی‌کفایتی حکمرانان خود به قسمت‌های مختلفی تقسیم شده است.

در حقیقت، خراسان فعلی تنها بخش کوچکی از خراسان قدیم می‌باشد. خراسان، یکی از مراکز مهم فرهنگ ایرانی بوده است. این خطه در سرتاسر تاریخ پر ماجرای خود، مردان نامداری را چه در زمینه‌ی سیاست و چه در زمینه‌ی علم و ادب، در دامن خود پرورانده است. در اینجا بوده که ادبیات فارسی نشأت گرفت و رقابت پرثمر تعداد کثیری شاعر، دانشمند و حکیم را پایه‌گذاری کرد که سرانجام به سرتاسر گیتی تسری یافت. بعد از رکود ناشی از فتح ایران توسط اعراب، این خراسان بود که جایگاه نوزایی و تجدید حیات فرهنگ ایران شد و این خراسان بود که لشکری به سرکردگی «ابومسلم» فرستاد تا آخرین خلیفه‌ی اموی را سرنگون کند و مرکز حکومت اسلامی را از دمشق به شرق عراق عرب (بغداد) منتقل نماید که در کانون فرهنگ ایرانی قرار داشت. و در نهایت، این خراسان بود که نخستین سلسله‌ی حکمرانی پارسیان پس از اسلام را ایجاد نمود و زمینه‌ساز برپایی حکومت‌های ایرانی دیگر گردید. منابع هنری خراسان، با فرهنگ اسلامی-ایرانی-هندی-بودایی نیرومندی که در عهد ساسانی شکوفا شده بود، تقویت یافت. خراسان وارث بازمانده‌های فرهنگ یونانی‌مآبی (هلنیسم) بود که در پی حمله‌ی «اسکندر»، در منطقه‌ی سکونت یونانی‌تبارهای قدیم یا «باکتريا» [به مرکزیت باکترا، بلخ کنونی] متمرکز شده بود. فرهنگ خراسان، از چین تأثیر پذیرفته و با برخورد مکرر با سرزمین‌های خاور دور، تقویت شده بود.

خراسان یکی از قطب‌های بسیار مهم قالی‌بافی ایران بوده و هست، و بافندگی قالی در آن از اهمیت ویژه‌ای برخوردار می‌باشد. قالی‌های دستباف خراسانی، جزء نفیس‌ترین قالی‌های دستباف ایرانی به حساب می‌آیند که هنر باستانی و سنتی ایران‌زمین را به بهترین شکل ممکن، به نمایش می‌گذارند (پوپ^۱ و اکرم^۲، ۱۳۸۸، ۲۶۷۷). در میان منابع و کتب تاریخی موجود، «احسن‌التقسیم مقدسی» از جمله مواردی است که به طور کاملاً مشهود

^۱. Pope

^۲. Ackerman

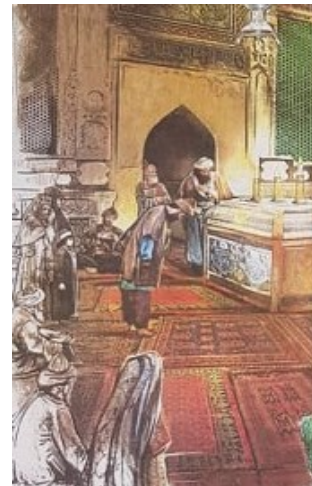


نقش خراسان در شکوفایی معماری ایرانی اسلامی

بر وجود قالی بافی در شرق و شمال شرقی ایران و سرزمین پهناور خراسان، اهتمام می‌ورزد. در دوران ایلخانی و تیموری، مصادف با قرن هفتم، هشتم و نهم هجری قمری، نشانه‌هایی از رواج قالی بافی در برخی از نقاط ایران از جمله خراسان، در آثار مورخین به چشم می‌خورد. «ابن بطوطه» (۷۲۵ ه.ق) در سفرنامه‌ی خویش، اشاراتی به قالی‌های دربار حکام مغول در دوره‌ی ایلخانان نموده و نیز قالی‌های داخل حرم مطهر امام رضا (علیه‌السلام) را توصیف می‌نماید. به عنوان مثال، در جلد اول سفرنامه‌ی ابن بطوطه، چنین آمده است:

روی قبر، صندوقی چوبی قرار دارد که سطح آن را با صفحات نقره پوشانیده‌اند. از سقف مقبره نیز قندیل‌های نقره، آویزان است. آستان در بقعه نیز نقره است و پرده‌ی ابریشم زردوزی بر در آویخته... داخل بقعه، با فرش‌های گوناگون مفروش گردیده است... فرش‌هایی در زیر پای زائران گسترده‌اند که ارزش هر کدام بیش از یکصد دوکات است... بر کف بقعه، فرش‌های بسیار عالی گسترده بودند که طول برخی از آنها بیش از چهارده قدم بود...
(ابن بطوطه، ۱۳۷۶، ۴۷۰)

شکل ۳. نمای بازسازی شده از روضه‌ی منوره‌ی حرم مطهر امام رضا (علیه‌السلام) در دوره‌ی سلجوقیان. منبع: تصویر منتشر شده در صفحه‌ی نخست «قرار؛ ۱۲ قرن بنای بهشت» (ویژه‌نامه‌ی نوروز ۱۴۰۱ روزنامه‌ی قدس).



در دوره‌ی تیموریان، قالی بافی در شهرهایی همچون سبزوار و نیشابور رونق می‌گیرد. در این خصوص، روایتی از کتاب «منم تیمور جهانگشا» از «تیمور لنگ» در دست است که به وسعت هنر قالی بافی در خراسان آن زمان، اذعان دارد:

به من گفتند در شهر سبزوار، سیصد هزار کارگر در کارخانه‌های قالی بافی کار می‌کنند و این شهر، بزرگ‌ترین مرکز قالی بافی جهان است... سبزوار ۳۰۰ هزار قالی باف داشت و من می‌دانستم که در هیچ جای دنیا بیشتر از سبزواری‌ها، قالی بافی وجود ندارد...



نقش خراسان در شکوفایی معماری ایرانی اسلامی

(برایون^۱، ۱۳۷۲، ۶۹).

هرچند برخی معتقدند که ممکن است این گفته‌ی تیمور لنگ درباره‌ی قالی‌بافی در سبزوار، اغراق‌آمیز باشد؛ ولیکن حتی اگر اغراق‌آمیز بودن این جمله را بپذیریم، نمی‌توان کلیت آن را صد در صد انکار نمود. «شاهرخ میرزا» - چهارمین فرزند امیر تیمور گورکانی - و همسرش «گوهرشاد آغا»، به قالی و قالی‌بافی و هنرمندان این عرصه علاقه‌مند بودند و زمینه‌هایی برای پیشرفت صنعت قالی‌بافی در خراسان را فراهم آوردند. چنین آورده‌اند که ثروت افسانه‌ای تیمور گورکانی توسط فرزند و نوادگانش، در راه اعتلای هنرهای زیبای خراسانی، از جمله هنر زیبای قالی‌بافی، مصروف شد.

به شهادت تاریخ، اوج هنر قالی‌بافی خراسان را بایستی در دوران حکومت سلسله‌ی صفوی جستجو نمود. گسترش پایتخت و دیگر شهرها و ایجاد ساختمان‌های تازه در این دوران، باعث شد که نیاز به قالی بیشتر شود و قالی‌بافی، تبدیل به یکی از حوزه‌های مهم اقتصادی برای مردم گردد (پوپ و اکرم، ۱۳۸۸، ۲۷۰۷). به دستور شاه‌عباس، کارگاه‌های زیادی در نواحی مختلف ایران و از جمله خراسان دایر نمودند. «آمبروسیو بمبو»^۲ در سفرنامه‌ی خویش به نقل از مسیو «ژان شاردن»^۳ می‌نویسد: «به دستور شاه‌عباس، هر کانون بافت فرش می‌بایست فرش را به شیوه‌ی خود ببافد» (Welch, ۲۰۰۷، ۱۵۴). در این کارگاه‌ها، با استعدادترین هنرمندان ایرانی و خراسانی مشغول به کار شدند و قالی‌های زیبا و نفیسی را به وجود آوردند. شهرت قالی‌های خراسان در عصر صفویه، به حدی بوده است که در زمان «شاه سلیمان صفوی» (۱۰۷۷-۱۱۰۵ ه.ق؛ ۱۶۶۴-۱۶۹۴ م)، از مجموع بیست‌ویک کاروانسرای مهم اصفهان، یک کاروانسرا مخصوص قالی‌های خراسان بوده است (پارشاطر، ۱۳۸۴، ۸۳). گویا قالی‌های خراسانی، با مذاق و سلیقه‌ی اروپاییان سازگاری بیشتری داشت؛ چون علاوه بر وجود تعداد بی‌شماری از آنها در بین اروپاییان، تصاویر این قالی‌ها را در نقاشی‌های اروپایی نیز می‌توان مشاهده نمود. «موریس اسون دیماند»^۴، با اشاره به قالی‌های خراسانی در این مورد می‌نویسد:

... از قالی‌های مشهور و جالب توجه ایران آنهایی است که نقش گل و برگ نخلی و شکل ابر سبک چینی دارند. این نوع قالی که نمونه‌های زیادی از آنها در موزه‌ها و مجموعه‌های خصوصی یافت می‌شوند، به اشتباه به اصفهان نسبت داده می‌شوند؛ در صورتی که در حقیقت متعلق به خراسان در شرق ایران است. در کارهای نقاشان هلندی و اسپانیایی اواخر قرن شانزدهم و قرن هفدهم، تصاویر این گونه قالی‌ها، دیده می‌شود...

(دیماند، ۱۳۸۳، ۲۶۷)

^۱ . Brion

^۲ . Ambrosio Bembo

^۳ . Jean Chardin

^۴ . Maurice Sven Dimand



نقش خراسان در شکوفایی صنعت بافنی و نساجی ایران

شورش افغان‌ها و انقراض سلسله‌ی صفویه، هرج و مرج شدیدی را در ایران به وجود آورد که نتیجه‌ی آن، فروپاشی اقتصاد ایران از جمله صنعت قالی‌بافی بود (طاحونی و ملایی، ۱۳۹۸). در اوایل دوران قاجار، شواهد کمی در مورد قالی‌بافی در خراسان موجود می‌باشد. با گذشت زمان و ایجاد امنیت در کشور و عدم وجود رقیبان خارجی در این صنعت، این هنر رفته‌رفته جایگاه واقعی خود در خراسان را پیدا نمود. هنرمندان و تولیدکنندگان قالی در این دوران، سعی کردند با توجه به فضای جامعه و سفارشات که از حکام، اشراف و تجار دریافت می‌کردند، قالی‌های موردنیاز آنها را تولید نمایند. خاطرات و سفرنامه‌های سیاحان و مورخان همچون «لرد کرزون»^۱، «سرپرسی سایکس»^۲ و «دواردز» نیز نشانی از رونق این هنر صنعت در طی سالیان متمادی در این نواحی دارد. در اواسط دوران قاجاریه، قالی خراسان، به میزان بیشتری مورد تقاضای اروپاییان قرار گرفت. تجار تبریزی، همزمان با رونق تجارت در اروپا، اقدام به تأسیس کارگاه‌های قالی‌بافی در شهرهای مختلف خراسان از جمله مشهد نمودند. مطابق گزارش کمپانی هند شرقی در سال ۱۷۹۰ میلادی (۱۲۰۵ ه.ق)، قالی خراسان در دوران قاجاریه، به خاطر تابناکی رنگ‌ها و برتری بافتش در سراسر جهان مقامی شامخ داشته است.

گفتار دوم: ویژگی‌های قالی خراسان و انواع آن

خطه‌ی خراسان، از دیرباز به بافت انواع مختلف قالی‌های دستباف نفیس و گران‌قیمت شهرت دارد. طرح و نقش قالی خراسان، مجموعه‌ای از استعداد و ذوق مردم آن سرزمین است که با طرح‌های گوناگونی از قبیل خطوط شکسته، هندسی، لچک ترنج، افشان و نقش‌های گل و ترنج بافته می‌شود. هر یک از این طرح‌ها، بیانگر و تجلی‌بخش این استعدادند و هنگامی که با رنگ‌آمیزی‌های زیبا هماهنگ می‌گردد، روح هنری این مردم را آشکار می‌سازد و عرصه‌ی نمود هنر و صنعت دیرپای مردم این سرزمین می‌شود. طرح فرش خراسان، اصولاً از طبیعت الهام می‌گیرد و نقش‌ها، اغلب به شکل طبیعی و یا تجربیدی از گل‌ها و گیاهان می‌باشند. بافندگان خراسانی، انواع رنگ‌ها به‌ویژه رنگ‌های تیره و ثابت از قبیل لاک، سرمه‌ای، کرم، نیلی و لاجوردی را در حواشی و متن قالی‌ها، به کار می‌برند. امروزه طرح‌های اصیل با خطوط اسلیمی، بافت مرغوب و مقاوم و رنگ‌های تیره از ویژگی‌های قالی خراسان به شمار می‌رود. این قالی‌ها را گاهی با گره‌ی متقارن و گاهی با گره‌ی نامتقارن و اغلب با دو پود می‌بافند.

در روزگار گذشته، کار عمده‌ی مردم خراسان، کشاورزی و باغداری و دامداری بوده است. وضع جغرافیایی و طبیعی مناسب این خطه به همراه مردم تلاشگر آن، به رونق حرفه‌های مذکور کمک‌های شایانی نمود (پوپ و اکرم، ۱۳۸۸، ۲۶۸۱). استفاده از فرآورده‌های دامی، به‌ویژه پشم و پوست، از دیرباز در این ناحیه رواج داشته و صنایع نساجی، مخصوصاً قالی‌بافی، از شغل‌های متداول در میان مردم بوده است. به همین جهت، امروزه خراسان

^۱ . Lord Curzon

^۲ . Sir Percy Sykes



نقش خراسان در شکوفایی صنعت فرش ایرانی

را می‌توان از مراکز مهم قالی‌بافی ایران و جهان، به شمار آورد. قالی‌های دستباف خراسانی، به دلیل استفاده از پشم مرغوبی که از گوسفندان همین ناحیه تهیه می‌شوند، درخشندگی و زیبایی بی‌نظیری داشته و با توجه به اینکه بسیار برجسته بوده و جلوه‌ی مناسبی دارد، زیبایی قابل توجهی را به مرحله‌ی ظهور درمی‌آورد که در نتیجه باعث می‌شود تا نقش اصلی به کار رفته در این قالی، به صورت کامل از زمینه‌ی قالی جدا و متمایز باشد و در نتیجه، جلوه‌ی بیشتری پیدا کند. پشمی که در گره‌های قالی‌های خراسان به کار رفته، نرم و شفاف بوده و شاید این یکی از دلایل محبوبیت قالی خراسانی باشد. پشم خراسان، از دیرباز تاکنون، دارای کیفیتی بسیار عالی است. این پشم‌ها، دو بار در سال چیده می‌شوند و الیافی کوتاه، براق و ابریشم‌مانند دارند و بسیار لطیف می‌باشند. اگرچه شمال خراسان از نواحی اصلی تهیه‌ی پشم ایران بوده و هست، ولیکن مرغوب‌ترین نوع پشم در تربت حیدریه تهیه می‌شود؛ همچنین در شهرهای نیشابور، سبزوار، قوچان و نواحی مجاور مشهد نیز از دیرباز، پشم مرغوب به دست می‌آید. همواره، پشم و پنبه به عنوان اصلی‌ترین ماده‌ی اولیه‌ی فرش، در این سرزمین پهناور و در بین روستاییان و دامداران، به فراوانی وجود داشته است. این خطه، به واسطه‌ی وسعت مراتع و آبادی‌های بی‌شمار، از مراکز عمده‌ی پرورش دام بوده و کشت پنبه در تمامی شهرهای آن رواج داشته که سابقه‌ی آن به دوران ساسانی بازمی‌گردد.

در واقع می‌توان چنین گفت که طبیعت نیز این خطه را با آن منابع طبیعی که برای بافت قالی‌های ظریف لازم است، غنا بخشیده است که از آن جمله می‌توان به پشم عالی، پنبه‌ی مرغوب، رنگیزه‌ها و مواد رنگی مناسب اشاره کرد که تنوع آنها در کوهستان‌های این خطه، فراوان است (پوپ و اکرم، ۱۳۸۸، ۲۶۸۵). از ویژگی‌های ممتاز قالی‌های خراسانی، استفاده از لاک یا قرمزخانه (به جای روناس) برای تهیه‌ی رنگ‌های سرخ می‌باشد. این روش، طی قرون و اعصار تغییر نکرده است و تا به امروز نیز در نواحی مختلف خراسان، انواع رنگ سرخ را از قرمزخانه به دست می‌آورند و از روناس به عنوان یک ماده‌ی کمک‌کننده بهره می‌گیرند (پوپ و اکرم، ۱۳۸۸، ۲۶۸۶). در رنگرزی نخ قالی خراسانی، علاوه بر قرمزخانه و روناس، از رنگ‌های گیاهی و حیوانی دیگری از قبیل برگ مو، اسپرک، پوست گردو، پوست انار، پوست پیاز، برگ چنار و... استفاده می‌شود (دانشگر، ۱۳۹۵، ۶۶). پس عجیب نیست که قالی خراسان، سبکی شاخص و خاص خود را به وجود آورده باشد، با چنان امتیازاتی که به حق موجب شهرت جهانی آن شده باشد، به حدی که عموماً آنها را از قالی‌های شاخص ایران به شمار می‌آوردند. و این نمی‌توانسته از میراث بخش‌های مرکزی و یا غربی ایران بوده باشد؛ چرا که «دشت کویر» و «کویر لوت»، مانع از برقراری ارتباط و پیوستگی می‌شده است.

مراکز اصلی قالی‌بافی استان خراسان عبارتند از: (۱) مشهد؛ (۲) جنوب خراسان شامل بیرجند و قائنات؛ (۳) کاشمر؛ (۴) تربت جام و تربت حیدریه (قالی‌های بلوچی)؛ (۵) سبزوار؛ (۶) نیشابور؛ (۷) شمال خراسان شامل بجنورد و شیروان (قالی‌های ترکمن و کردی)؛ (۸) قوچان و (۹) گناباد (خرمی، ۱۳۹۴). بسیاری از قالی‌های خراسان را به نام شهرهایی که در آن بافته می‌شوند، نام‌گذاری می‌نمایند که از جمله‌ی مهم‌ترین آنها می‌توان به



نقش خراسان در شکوفایی معماری ایرانی اسلامی

قالی‌های بافت مشهد اشاره نمود. در بررسی و مطالعه‌ی کتاب‌ها و مجلات تخصصی قالی، مشاهده می‌شود که اطلاعات نوشتاری بسیار اندکی در مورد قالی‌های بافت مشهد موجود است و همین امر سبب شده که محققین و کارشناسان هنر اسلامی، دوران مهم قالی‌بافی در این ناحیه را با عبارات و کلماتی گنگ و گاهی مبالغه‌آمیز خاتمه دهند (کمندلو، ۱۳۹۵). با توجه به اسناد و مدارک موجود، شروع قالی‌بافی در مشهد مقدس، احتمالاً در عصر صفویان بوده است. تا قبل از دوران صفویه، اطلاعات زیادی در مورد قالی‌بافی در این ناحیه، وجود ندارد.

با ظهور صفویان، فصل تازه‌ای از شکوه و آبادانی در شهر مشهد آغاز شد و با رسمیت‌یافتن مذهب تشیع، اهمیت آن روز به روز بیشتر گردید. توجه ویژه‌ی شاه عباس اول به مشهد و مرقد مطهر حضرت رضا (علیه‌السلام)، سبب رشد و توسعه‌ی شهر و ایجاد بناهای تازه‌ای در اطراف حرم مطهر گردید (کمندلو، ۱۳۹۴). با نگاهی اجمالی به صحن‌ها، رواق‌ها، ایوان‌ها و موزه‌های حرم رضوی، می‌توان نتیجه‌ی هنر دست معماران، طراحان، کاشی‌کاران و خوش‌نویسان عصر صفوی را مشاهده نمود. تولید و بافت قالی در مشهد نیز از این قاعده مستثنی نبوده و نیست؛ به طوری که با مطالعه‌ی آثار موجود در موزه‌ها و مجموعه‌های خصوصی، می‌توان چنین اظهار داشت که نخستین دوران درخشان قالی‌بافی مشهد، در این زمان پایه‌گذاری شده و تأثیرات فراوانی از نظر شیوه‌ی طراحی و رنگ‌بندی، بر روی بافته‌های هنرمندان سده‌های بعد و علی‌الخصوص دوره‌ی قاجاریه، گذاشته است.



شکل ۴. نمایی از قالی خراسان در موزه‌ی ملک (بافت مشهد) (کمندلو، ۱۳۹۴).



نقش خراسان در شکوفایی صنعت فرش ایرانی

اگرچه ایرانیان از قدیم عادت داشته‌اند که فرآورده‌ها و صنایع یک ولایت را به نام مرکز و شهر اصلی آن بشناسند (خرمی، ۱۳۹۴)؛ ولیکن این گزاره در مورد شهر «مشهد» صدق نمی‌کند، چرا که این شهر دارای تاریخچه‌ی قالی‌بافی پرطمطراقی می‌باشد. قالی دستباف این شهر، پرگوشت، مقاوم، محکم و بادوام می‌باشد. قالی مشهد، از نظر نقش و نگار و همچنین طرح، تنوع بسیار بالایی داشته و با توجه به اینکه از سنت‌های دیرینه پیروی می‌نماید، طرح‌های «سراسری» (سرتاسری) و «افشان» تا «لچک ترنج» را به صورت کامل در بر گرفته و در دل خود جای می‌دهد. رنگ‌بندی به کار رفته در قالی دستباف خراسان نیز بسیار متفاوت بوده و معمولاً ترکیب رنگ ملایم و زینتی دارد. ولی در عین حال، در برخی از انواع قالی دستباف این شهر، با رنگ‌های بسیار پخته و جذاب نیز روبه‌رو می‌شویم. ترکیب رنگ‌بندی متن و حاشیه در بیشتر قالی‌های مشهد، به صورت‌های زمینه‌ی لاکی قرمزدانه با حاشیه‌ی سورمه‌ای، زمینه‌ی کرم با حاشیه‌ی سورمه‌ای، زمینه‌ی سورمه‌ای با حاشیه‌ی لاکی قرمزدانه یا کرم، مشاهده می‌گردد. قالی‌های مشهد، در ابعاد متوسط و بزرگ تولید و بافته می‌شوند. تار و پود این قالی‌ها، معمولاً از پنبه می‌باشد. تمامی این ویژگی‌ها، شاید بدین دلیل باشد که بافنده‌ی مشهدی، در انتخاب پشم مرغوب و کاربرد آن در قالی، از هیچ کوششی فروگذار نکرده و برخلاف بافنده‌ی اصفهانی و تبریزی، در تهیه‌ی طرح و نقشه‌هایی که ویژگی‌های طرح مشهد را دارا باشند، تعصب به خرج می‌دهد. از مهم‌ترین مراکز قالی‌بافی در حومه‌ی مشهد، می‌توان به «طرقبه»، «شاندیز»، «نغندر»، «زشک»، «جاغرق» و روستای «کنگ» اشاره نمود.

یکی دیگر از مراکز مهم قالی‌بافی خراسان، ناحیه‌ی «بیرجند» و «قائنات» می‌باشد. قالی‌بافی در بیرجند و قائنات، به سال‌های دور بازمی‌گردد. مطالبی که در کتب قدیمی قالی و قالی‌بافی آمده است، حکایت از بافت قالی در اعصار گذشته در بیرجند و سایر شهرها و روستاهای خراسان جنوبی دارد. به عنوان مثال، «مقدسی» در «احسن‌التقاسیم» چنین می‌گوید: «قالی و سجاده در نواحی کوهستانی بیرجند شهرت دارد» و «لرد کرزون» در این باره می‌نویسد: «مرکز عمده‌ی قالی خراسان، عبارت است از ناحیه‌ی قائن و بیرجند که قالی‌های ریزبافت دارند و به قیمت گران فروخته می‌شوند» (خرمی، ۱۳۹۴). از دلایلی که باعث شد «قالی بیرجند» بسیار معروف شود، جنس خوب و بافت و ساختار عالی آن بوده است؛ چرا که از پشم‌های محلی و مرغوب برای بافت آن استفاده می‌گردد. علاوه بر این، از جمله ویژگی‌های دیگر قالی بیرجند، نظیر تمامی قالی‌های خوب ایرانی، استفاده از رنگ خوب و عمدتاً گیاهی می‌باشد. رنگ‌های مورد استفاده در بافت این نوع قالی‌ها، عالی و با کیفیت بوده و کار بافندگی با مهارت انجام می‌گرفت. قالی‌های خراسان جنوبی، دارای زیبایی و ظرافت و کیفیت بسیار مناسبی بودند که علی‌رغم طرح‌های یکنواخت، جزء بهترین قالی‌های خراسان محسوب می‌شدند و همین ویژگی باعث شد که در برهه‌هایی، بازارهای اروپا «قالی بیرجند» را به «قالی مشهد» ترجیح دهند. از طرح‌های معروف قالی بیرجند می‌توان به طرح‌های افشان و سه‌گل اشاره نمود. روستاهای «درخش» و «مود» در حومه‌ی بیرجند، از قدیمی‌ترین و مشهورترین نواحی قالی‌بافی در جنوب خراسان و شرق ایران می‌باشند. از دیگر نواحی روستایی



نقش خراسان در شکوفایی معماری ایرانی اسلامی

حومه‌ی بیرجند می‌توان به «آسیابان»، «چاخ»، «مسک»، «فورخاص»، «دره‌عباس»، «رژنوک»، «سرچاه»، «فصل‌آباد»، «تقاب» و «نوفرست» اشاره نمود.

قالی‌بافی در شمال خراسان نیز سابقه‌ای بس طولانی دارد. قالی دستباف خراسان شمالی، از قالی‌های دستباف مطرح کشور بوده و از تنوع تولید مختلفی برخوردار می‌باشد. اگرچه براساس برخی از گزارش‌های موجود، تولید قالی در شمال خراسان، علی‌الخصوص بجنورد، شیروان، قوچان، کلات و سایر نواحی، معمولاً توسط گروه‌های عشایری و روستایی و به صورت محدود انجام می‌شده است؛ ولیکن فروش و تجارت آن در شهرها و مراکز روستایی رواج داشته و این قالی‌ها، همراه با ابریشم، پنبه و شال، از کالاهای عمده‌ی تجارت داخلی شمال خراسان، محسوب می‌شده‌اند. حتی گفته می‌شود که در اواسط قرن نوزدهم میلادی (قرن سیزدهم هجری قمری)، قالی‌های ظریف و مرغوبی که در تعدادی از مراکز سنتی بافت قالی در شمال خراسان تولید می‌شدند، معمولاً به کشورهای مجاور نظیر روسیه، عثمانی و هند صادر می‌شده است. این کار معمولاً توسط افراد سرشناسی همچون تجار، استادکاران محلی، خان‌های ایلات و عشایر که از حامیان بافت سنتی در این نواحی بوده‌اند، انجام می‌گرفت. از مزیت‌های تولیدات قالی خراسان شمالی، تنوع محصولات می‌باشد؛ به صورتی که گوناگونی دست‌بافته‌های آنان با توجه به سکونت و هم‌نشینی اقوام فارس، کرد، ترک، کرمانج، ترکمن و بلوچ، دارای مجموعه‌ای از محصولات با نوع ترکیب‌بندی در طرح و نقش، تولید، مصالح، ابزار و... می‌باشد.

خراسان از اعصار گذشته، به داشتن بیشترین تعداد قالی‌بافان و دستگاه‌های بافندگی در بین استان‌های ایران مشهور بوده است. امروزه نیز کارگاه‌های کوچک و بزرگ قالی‌بافی شهری و روستایی، به‌ویژه کارگاه‌های دایر شده به‌وسیله‌ی آستان قدس رضوی و برخی مؤسسه‌ها و نهادهای خصوصی و دولتی دیگر، سهم بسزایی در افزایش کمی و کیفی هنر صنعت قالی‌بافی استان خراسان دارند (کمندلو، ۱۳۹۵). در سده‌ی اخیر در خراسان، مؤسسه‌های خصوصی و عمومی فراوانی از قبیل «عمو اوغلی»، «مخملباف»، «صابر»، «ششکلانی»، «شرکت سهامی فرش ایران» و «شرکت فرش آستان قدس رضوی» ایجاد شده است. در این دوران، آستان قدس رضوی در نزدیکی شهر مشهد و در روستای «کنه بیست»، با گردآوری تعداد زیادی از بافندگان، باعث رونق قالی‌بافی شده است و سطح کمی و کیفی این دست‌باف هنری را در منطقه افزایش داده است (دانشگر، ۱۳۹۵، ۶۶).

گفتار سوم: فراز و فرود قالی خراسان در دوران قاجاریه

همانطور که پیش‌تر بیان نمودیم؛ هنر بافت قالی در خراسان، قدمتی بسیار بالا داشته و این منطقه در دوران قاجاریه، به یک مرکز بسیار بزرگ تولید فرش، تبدیل شد. به عبارت دیگر، در طی حکومت قاجاریان بر ایران (۱۳۴۳-۱۲۱۰ ه.ق؛ ۱۷۹۶-۱۹۲۵ م)، برخی از هنرها از جمله قالی و قالی‌بافی، به دلایل متعددی همچون نبود رقیب خارجی و برپایی چند نمایشگاه از قالی‌های ایرانی در کشورهای غربی، اوجی دوباره می‌یابد. بازرگانان و



نقش خراسان در شکوفایی معماری ایرانی اسلامی

تجار ایرانی، به خصوص تبریزی‌ها، با توجه به شناختی که از سلیقه‌ی مردمان مغرب‌زمین پیدا نمودند، در اکثر نقاط ایران از جمله در مشهد و سایر بلاد خراسان، کارگاه‌های بافت قالی تأسیس کرده بودند.

دومین دوران پرشکوه تاریخ قالی و قالی‌بافی خراسان، از قرن سیزدهم و اواسط سلطنت ناصرالدین‌شاه قاجار (۱۳۱۳-۱۲۶۴ ه.ق؛ ۱۸۴۷-۱۸۵۹ م) آغاز و تا دوران معاصر ادامه می‌یابد (یارشاطر، ۱۳۸۴، ۸۴). به احتمال زیاد، برپایی نمایشگاه‌های قالی ایران در شهرهای «وین» و «لندن»، باعث استقبال مردمان مغرب‌زمین از این هنر شده (حشمتی رضوی، ۱۳۹۲، ۱۰۸) و همین امر موجب رونق تولید در مناطق مختلف ایران از جمله خراسان گردید. کیفیت بالای رنگرزی، بافت و طراحی سبب شد که علاوه بر مردم عادی، طبقه‌ی متمکن و گاه حاکم بر ایران، سفارش بافت قالی‌هایی در ابعاد کوچک و بزرگ را به کارگاه‌های فعال و معتبر در خراسان بدهند. در این دوره، به تدریج افراد با استعداد و توانمند از شهرهای دور و نزدیک همچون تبریز، کرمان، چهارمحال و بختیاری، کاشمر، بیرجند، نیشابور و... وارد خراسان شده و در کنار تولیدکنندگان قدیمی، اقدام به بافت انواع قالی نمودند. بیشتر محققین در کتاب‌های خود، علت رونق قالی خراسان و به‌ویژه قالی مشهد را حضور بازرگانان و تولیدکنندگان تبریزی می‌دانند. در کنار آنها، تولیدکنندگان خراسانی نیز حضور داشته و با آنها رقابت می‌نمودند؛ هرچند در بیشتر اوقات در سطح پایین‌تری قرار داشتند. علاوه بر این، وجود مرقد مطهر امام رضا (علیه‌السلام) در شهر مشهد، باعث شد که به تدریج عاشقان و علاقه‌مندان به آن حضرت به این شهر بیایند؛ به طوری که صنعتگرانی از مناطق کشمیر، هرات، کرمان، آذربایجان، کاشان و... دست به دست هم دادند تا بافت قالی در خراسان، دوباره احیا شود. اگرچه بعد از احیای دوباره‌ی قالی خراسان در دوران قاجاریه، طرح‌های افشان و لچک ترنج، رواج بیشتری نسبت به دیگر طرح‌های قالی خراسانی داشتند؛ ولیکن به جرأت می‌توان چنین اظهار داشت که نقشه‌ی متداول کارگاهی در دوران تجدید حیات قالی‌بافی طی اواخر قرن سیزدهم هجری در این ناحیه، نقشه‌ی هراتی بوده است. در این دوره، قالی‌ها با طراحی دقیق و نقوش درشت بافته شد. در حال حاضر، نمونه‌هایی متعدد از هنر دست تولیدکنندگان خراسانی در دوره‌ی قاجاریه، زینت‌بخش کاخ‌ها، موزه‌ها و مجموعه‌های خصوصی ایران و جهان هستند که نمونه‌هایی از آن را در ذیل مشاهده می‌نمایید:



نقش خراسان در شکوفایی معماری ایرانی اسلامی



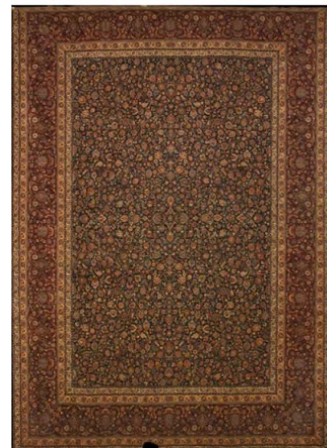
شکل ۶. قالی مشهد با طرح واگیره‌ای (دوره‌ی قاجاریه) (ادواردز، ۱۳۵۶، ۱۸۶).



شکل ۵. قالی مشهد با طرح افشان (دوره‌ی قاجاریه) (sakhai، ۲۰۰۸، ۳۷۰).



شکل ۸. قالی مشهد با طرح کف ساده (اواخر دوره‌ی قاجاریه) (صور اسرافیل، ۱۳۷۱، ۱۴۰).



شکل ۷. قالی مشهد با طرح یک چهارم افشان (اواخر دوره‌ی قاجاریه) (صباغ‌پور و شایسته‌فر، ۱۳۸۸).

خراسان در دوره‌ی قاجار، به کارگاه بزرگی برای بافت قالی‌های مورد تقاضای بازارهای خارجی مبدل گشت؛ ولیکن با آغاز بحران جنگ‌های جهانی اول و دوم، قحطی بزرگ، شورش و اعتصاب کارگران قالی‌باف، کشته‌شدن و یا مهاجرت اربابان و صاحبان این صنعت مهم و نیز بحران اقتصادی، رونق این بازار نیز از بین رفت. همچنین،



نقش خراسان در شکوفایی معماری ایرانی اسلامی

به واسطه‌ی به‌کارگیری رنگ‌های مصنوعی به جای رنگ‌های طبیعی در بافت‌های داخلی و رواج بافت تقلبی، فرش و قالی خراسان، همانند قالی‌های دیگر مناطق ایران، اصالت و شهرت خویش را از دست داد.

همان‌طور که گفته شد، اکثر محققین در کتاب‌های خود، علت رونق قالی خراسانی در دوران قاجاریه را حضور بازرگانان و تولیدکنندگان تبریزی می‌دانند. بزرگان قالی خراسان که اصالت تبریزی داشتند، «محمد کهنمویی» و «حاج علی خامنه‌ای» از جمله کسانی هستند که قالی‌های نفیس و با کیفیت بالایی را تولید کرده‌اند (کمندلو، ۱۳۹۴). در اواخر دوران قاجار، شماری از بهترین اساتید قالی ایرانی در خراسان به آفرینش هنری قالی پرداخته‌اند؛ از آن میان می‌توان به نام این بزرگان اشاره نمود: «محمد عمو اوغلی» با امضای «عبدالمحمد عمو اوغلی»، «علی‌خان عمو اوغلی» با امضای «عمو اوغلی»، «محمدابراهیم مخملباف» با امضای «عمل مخملباف»، «عباس‌علی صابر» با امضای «صابر»، «محمود قاضی‌خانی» با امضای «قاضی‌خانی»، «کاظم ششکلانی» با امضای «ششکلانی»، «غلامرضا اخوان نساج» با امضای «م. نساج» و «مشهد نساج» (کمندلو، ۱۳۹۴)، «شیخ غلام بورنگی» با امضای «مشهد عمل شیخ بورنگی»، «حیدر کافی‌پور» با امضای «کافی» (کمندلو، ۱۳۹۵)، «سید مصطفی سخاوتی» با امضای «سخاوتی»، «محمد حسین غیوری» با امضای «غیوری»، «علی خامنه‌ای» و برادرش «قاسم خامنه‌ای» (خرمی، ۱۳۹۴) و نیز «خلیل خدیوی»، «عبدل مؤمنی»، «زرینه»، «شوشتری»، «عباس نادری»، «حسین درخشی» و برادرش «رضا درخشی» (کمندلو، ۱۳۹۴). همچنین، قالی مشهد به‌واسطه‌ی قدمتی که دارد، توسط اساتید این حوزه بافته می‌شود و در اواخر دوران قاجار، نام‌های معتبری را در میان طراحان آن می‌توان یافت. از جمله‌ی این افراد می‌توان به «میرزا حسن طرح‌چی»، «عبدالحمید صنعت‌کار»، «احمد بهبودی»، «احمد معروفی»، «جعفر خرازی»، «احمد حسینی‌پور نوقانی»، «علیپور»، «کوزه‌کنانی»، «محمد شالبافان»، «حاج اسماعیل ایرانی» و «محمد حسینی» (معروف به سید محمد) اشاره نمود.

گفتار پنجم: سخن پایانی

تا دوره‌ی صفوی، اطلاعات دقیقی در مورد شیوه‌های تولید، طرح و نقش و اقتصاد و دادوستد قالی دستباف خراسان در دست نیست؛ مگر اشاره‌هایی در سفرنامه‌های جهان‌گردان و سفیران ممالک اروپایی. از دوره‌ی صفوی به این سو، با گسترش روابط بازرگانی و فرهنگی با اروپا، در نوشته‌های مستشرقین و سفرنامه‌های اروپاییان، به این نکته برمی‌خوریم. گرچه این نوشته‌ها نیز منسجم نیستند و مختص قالی خراسان نیز نگاشته نشده‌اند. پیشینه‌ی حضور قالی خراسان در بازارهای بین‌المللی به همین دوره بازمی‌گردد که به سبب توجه به تمامی وجوه و جنبه‌های کیفی قالی، از جمله طرح، نقش، رنگ و مواد اولیه، قالی خراسانی توانست به کشورهای اروپایی راه یابد و از آن زمان تاکنون با وجود فراز و نشیب‌های مختلف در تولید و تجارت قالی، این محصول هنری همواره در ردیف اقلام عمده‌ی صادرات غیرنفتی ایران قرار داشته است. روندی که در دوره‌ی صفوی با پیوستن ایران به شبکه‌ی تجارت جهانی آغاز شده بود، در میانه‌ی دوره‌ی قاجاریه، گسترش بیشتری پیدا کرد. هنر و صنعت



نقش خراسان در شکوفایی صنعت سرامیک ایران

قالی‌بافی خراسان در دوره‌ی قاجاریه، تغییر و تحول چشمگیری را تجربه کرده است که عوامل بسیاری در آن سهیم بوده‌اند که از آن جمله می‌توان به عوامل اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، مذهبی و... اشاره نمود؛ یکی از این عوامل، روابط اقتصادی و سیاسی بیش از گذشته با کشورهای دیگر می‌باشد که غربیان را بیش از پیش با هنر قالی‌بافی خراسان، آشنا ساخت. البته قالی و قالی‌بافی خراسان در حدود ۲۵۰ سال حکمرانی قاجاریه، دارای روند و رویه‌ی یکسانی نبوده و به صورت مداوم در حالت اوج و فرود به سر برده است و بر همین مبناست که رویکردهای متناقضی نسبت به تاریخ قالی و قالی‌بافی خراسان در دوران قاجاریه وجود دارد.

قالی‌بافی که در دوره‌ی صفویه، تحت حمایت دربار بود، با پایان آن دوره و روی کار آمدن «آغامحمدخان قاجار» کمابیش متوقف شده و کارگاه‌های بزرگ موجود در استان خراسان و سایر نقاط ایران که تقاضاهای اعیان و اشراف ایران و اروپا را برآورده می‌ساخت، یکی پس از دیگری تعطیل گردیدند. همچنین، در قرن هجدهم و اوایل قرن نوزدهم میلادی، تقاضای بازار اروپا برای قالی‌های مشرق‌زمین، رو به کاهش نهاد و بافندگان ماهر کارگاه‌های خراسان، پراکنده شدند. از آن زمان تا استقرار دولت قاجار، قالی‌بافی به صورت حرفه‌ای روستایی درآمد و تولیدات به صورت محدود و تنها جهت رفع نیازهای بازار داخلی، صورت می‌پذیرفت. در سال‌های نخست حکومت «ناصرالدین‌شاه قاجار»، تاریخ جدیدی در صنعت قالی‌بافی ایران و بالتبع آن در صنعت قالی‌بافی خراسان، گشوده می‌شود. شاید به جرأت بتوان چنین اظهار داشت که گسترش قالی‌بافی در نیمه‌ی دوم قرن نوزدهم میلادی، پس از بیماری کرم‌های ابریشم و بحران تولید پنبه و قائله‌ی جنگ تریاک روی می‌دهد؛ به واقع، تولید قالی، آخرین دستاویز حکومت قاجار برای رشد و توسعه‌ی اقتصادی و ثبات ایران می‌باشد. در این برهه، تجار و بازرگانان تبریزی، صنعت جدید قالی‌بافی را در خراسان و دیگر نقاط ایران، پایه‌گذاری می‌کنند و دوران احیای قالی‌خراسانی، آغاز می‌شود.

فعالیت کارگاه‌های تولیدی قالی‌بافی ایران، تا ابتدای جنگ جهانی اول (۱۹۱۴ م) با سرعت بیشتری گسترش یافت؛ اما با آغاز جنگ، فعالیت کارگاه‌های مزبور نیز به دلیل مسدود شدن راه‌های تجاری بین‌المللی و کاهش شدید صادرات قالی، قحطی بزرگ، شورش و اعتصاب کارگران، کشته‌شدن و یا مهاجرت اربابان و صاحبان این صنعت و بحران عظیم اقتصادی، بسیار کاهش پیدا کرد. بحران جنگ و پیامدهای حاصل از آن، نه تنها باعث تعطیل شدن کارگاه‌های تولیدی قالی در داخل شد؛ بلکه موجبات سقوط سلسله‌ی قاجاریه را نیز فراهم آورد. می‌توان چنین اظهار داشت که قالی‌ایرانی که در قرن نهم هجری به دوران جوانی و در قرن‌های دهم، یازدهم و دوازدهم به کمال خود رسیده بود، در اواخر قرن سیزدهم رو به ضعف گذاشت و تا به امروز نتوانسته است که آن شکوه و عظمت گذشته‌ی خود را به دست آورد.

این نوشتار کوشید که در حد توان، به فراز و فرود قالی‌های خطه‌ی خراسان در دوره‌ی قاجار پرداخته و خلأ اطلاعاتی در این زمینه را پر نماید. امید است با کوشش زیادی که به منظور تدوین این نوشتار به عمل آمده،



نقش خراسان در شکوفایی معماری ایرانی اسلامی

سهم کوچکی از دین خود را به جامعه‌ی دانشگاهی ادا کرده باشم و این نوشتار، به عنوان یک منبع راهنما به منظور مطالعه درباره‌ی قالی‌های خراسانی در دوران قاجاریه، مورد استفاده‌ی تمامی پژوهشگران و صاحب‌نظران قرار گیرد.

منابع و مآخذ

۱. ---- (۱۴۰۱). «قرار؛ ۱۲ قرن بنای بهشت» (ویژه‌نامه‌ی نوروز ۱۴۰۱ روزنامه‌ی قدس)؛ مشهد: مؤسسه‌ی چاپ و نشر مؤسسه‌ی فرهنگی قدس؛ چاپ اول.
۲. ابن اثیر؛ عزالدین (۱۳۸۳). «تاریخ کامل ابن اثیر (جلد سوم)» (ترجمه‌ی دکتر سیدحسین روحانی و حمیدرضا آذیر)؛ تهران: انتشارات اساطیر؛ چاپ سوم.
۳. ابن بطوطه، محمد بن عبدالله (۱۳۷۶). «سفرنامه‌ی ابن بطوطه (جلد اول)» (ترجمه‌ی محمدعلی موحد)؛ تهران: انتشارات آگاه؛ چاپ ششم.
۴. ابن جبیر طبری، محمد (۱۳۸۳). «تاریخ طبری (جلد پنجم)» (ترجمه‌ی ابوالقاسم پاینده)؛ تهران: انتشارات اساطیر؛ چاپ ششم.
۵. ادواردز، سیسیل (۱۳۵۶). «قالی ایران» (ترجمه‌ی مهین دخت‌صبا)؛ تهران: انتشارات انجمن دوست‌داران کتاب؛ چاپ اول.
۶. اشرفی پویا، میثم (۱۴۰۰). «تاریخ پویا (جلد اول)»؛ مشهد: انتشارات طلوع مجد؛ چاپ اول.
۷. اشرفی پویا، میثم (۱۴۰۰). «تاریخ پویا (جلد دوم)»؛ مشهد: انتشارات طلوع مجد؛ چاپ اول.
۸. ایلخان، سحر؛ آشوری، محمدتقی (۱۳۹۹). «تأثیر حضور شرکت زیگلر بر طرح، نقش و رنگ قالی‌های ایران از دوره‌ی قاجار تا پایان جنگ جهانی دوم»؛ نشریه‌ی فردوس هنر؛ شماره‌ی دوم؛ پاییز ۱۳۹۹؛ صص ۱۰-۴۷.
۹. آذری، زهرا؛ نوروز برازجانی، ویدا (۱۳۹۱). «خوانا کردن متن قالی بازیریک براساس متن آفرینش کتاب بندش»؛ فصلنامه‌ی علمی-پژوهشی هنرهای تجسمی نقش‌مایه؛ سال پنجم؛ شماره‌ی سیزدهم؛ زمستان ۱۳۹۱؛ صص ۱۷-۲۴.
۱۰. برایون، مارسل (۱۳۷۲). «منم تیمور جهانگشا» (ترجمه‌ی ذبیح‌الله منصوری)؛ تهران: انتشارات کتابخانه‌ی مستوفی؛ چاپ چهاردهم.
۱۱. پوپ، آرتور اپهام؛ اکرم، فیلیس (۱۳۸۸). «سیری در هنر ایران: از دوران پیش از اسلام تا امروز (فرش و فرش‌بافی، فلزکاری، هنرهای فرعی، آرایه‌ها و موسیقی) (جلد ششم)» (ترجمه‌ی نجف دریابندری)؛ تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی؛ چاپ اول.
۱۲. حشمتی رضوی، فضل‌الله (۱۳۹۲). «تاریخ فرش (سیر تحول و تطور فرش‌بافی ایران)»؛ تهران: انتشارات سمت؛ چاپ سوم.
۱۳. خرمی، مینا (۱۳۹۴). «پژوهشی در تاریخ استان خراسان جنوبی و پیشینه‌ی قالی دستباف آن»؛ همایش ملی فرش دستباف خراسان جنوبی؛ دانشگاه بیرجند؛ آذر ۱۳۹۴؛ صص ۸۰۳-۸۲۴.
۱۴. دانشگر، احمد (۱۳۹۵). «دانشنامه‌ی فرش ایران (کتاب چهارم)»؛ تهران: انتشارات سبک زندگی؛ چاپ اول.



نقش خراسان در شکوفایی معماری ایرانی اسلامی

۱۵. دیماند؛ موریس اسون (۱۳۸۳). «راهنمای صنایع اسلامی» (ترجمه‌ی عبدالله فریار)؛ تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی؛ چاپ اول.
۱۶. صور اسرافیل، شیرین (۱۳۷۱). «طراحان بزرگ فرش ایران»؛ تهران: انتشارات سروش؛ چاپ اول.
۱۷. ضمیری، چکامه؛ افشار مهاجر، کامران (۱۳۹۸). «بررسی تاریخی تقابل سنت و مدرنیته در طرح و رنگ فرش دستباف شهری ایران»؛ نشریه‌ی علمی-پژوهشی مطالعات هنر اسلامی؛ سال پانزدهم؛ شماره‌ی ۳۳؛ بهار ۱۳۹۸؛ صص ۲۴-۴۳.
۱۸. طاحونی، پوران؛ ملایی، مصطفی (۱۳۹۸). «بررسی عوامل و چگونگی احیا و رونق صنعت فرش در دوره‌ی قاجار»؛ فصلنامه‌ی علمی تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهرا (سلام‌الله‌علیها)؛ سال بیست‌ونهم؛ دوره‌ی جدید؛ شماره‌ی ۴۳ (پیاپی ۱۳۳)؛ پاییز ۱۳۹۸؛ صص ۱۳۱-۱۵۵.
۱۹. فنایی، زهرا؛ مجابی، سیدعلی (۱۳۸۹). «پیش‌درآمدی بر تاریخ فرش جهان»؛ تهران: انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف‌آباد؛ چاپ اول.
۲۰. کمندلو، حسین (۱۳۹۴). «معرفی قالی‌های مشهد»؛ نشریه‌ی آستان هنر؛ سال دوم؛ شماره‌ی سیزدهم؛ تابستان ۱۳۹۴؛ صص ۷۰-۸۵.
۲۱. کمندلو، حسین (۱۳۹۵). «بازشناسی فرش مشهد در عصر قاجار؛ نمونه‌ی موردی: قالی محرابی پرده‌ای دو رو (محرابی افشان شاه عباسی قندیل‌دار موزه‌ی فرش آستان قدس رضوی)»؛ مطالعات تاریخ فرهنگی؛ پژوهش‌نامه‌ی انجمن ایرانی تاریخ؛ سال هشتم؛ شماره‌ی بیست‌ونهم؛ پاییز ۱۳۹۵؛ صص ۱۲۷-۱۴۷.
۲۲. لودویک بوسخارت، ویلیام (۱۳۷۸). «ایران از نگاه آنتوان سوروگین (مجموعه‌ی کم‌نظیر عکس‌های آنتوان سوروگین)» (ترجمه‌ی سحر برجسته)؛ تهران: انتشارات زمان؛ چاپ اول.
۲۳. یارشاطر، احسان (۱۳۸۴). «تاریخ و هنر فرش‌بافی در ایران»؛ تهران: انتشارات نیلوفر؛ چاپ اول.
۲۴. Anthony Welch, ed. The Travels and Journal of Ambrosio Bembo, Trans. Clara Bargellini. Berkeley: University of California Press, ۲۰۰۷/ xii + ۴۵۱ .pp. index illus. map. gloss. \$۲۴/۹۵/ ISBN: ۹۷۸-۰-۵۲۰-۲۴۹۳۹-۴
۲۵. Sakhai, Essie (۲۰۰۸), Persian rugs and carpet, antique collector's club.